

موسوعه عبدالله بن عباس خبیر الأمة
و ترجمان القرآن؛ السيد محمد مهدی
السید حسن الموسوی الخرسان؛
قم: مرکز الأبحاث العقائدية،
۱۴۲۷-۱۴۳۷ هجری قمری

بستان (۴)

موسوعه ابن عباس: دانشنامه دفاع

مریم حقی (کورانی)

شاید بگویید بیست و یک جلد درباره یک صحابی؟! مگر چقدر راجع به عبدالله بن عباس سخن هست که درباره اش موسوعه بنویسند؟ اما خواهید دید که ابن عباس، صحابی و عموزاده پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) شخصیتی است که حرف و حدیث درباره او فراوان است. گرچه در میان عموم اهل سنت مقبولیت دارد، اما از دیرباز میان علمای شیعه مدافعان و منتقدانی داشته است؛ مدافعی چون صاحب معالم و منتقدانی چون مجلسی اول.

این کتاب اولین کتابی نیست که درباره وی نوشته می شود، شاید آخرین هم نباشد، اما احتمالاً مشهورترین اثر موجود درباره او و در دفاع از اوست. نخستین جلد این کتاب در ۱۴۲۷ ق (ده سال پیش) منتشر شد و نویسنده در مقدمه اش نوشت که پس از پنجاه سال تتبع و پس از سراغ گرفتن های مکرر دوستان، چاپ آن را شروع کرده است. امسال در ۱۴۳۷ ق چاپ این کتاب به سرانجام رسید.

نگاهی به کتاب و نویسنده

موسوعه به معنای دایرة المعارف یا دانش نامه است، اما موسوعه ابن عباس، فهرستی الفبایی از اعلام و اصطلاحات با مقالاتی در ذیل مداخل نیست. بلکه کتابی است با تقسیم بندی موضوعی درباره یکی از شخصیت های صدر اسلام. این کتاب بیست و یک جلد است و هر جلد حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ صفحه شامل بررسی و نقد تاریخ زندگی ابن عباس، نظرات وی در علوم اسلامی، روایات او و نظر دیگران راجع به او. این مجموعه را «مرکز الأبحاث العقائدية» در قم (که مرکز پخش هم در نجف دارد) در مجموعه «سلسله رد الشبهات» منتشر کرده است.

عنوان کامل این کتاب بازگوکننده موضع نویسنده نسبت به موضوع است: «موسوعه عبدالله بن عباس، خبیر الأمة و ترجمان القرآن». در طرح جلد تمام مجلدات نیز عبارتی آمده که باز هم موضع نویسنده در گزینش احادیث را نشان می دهد: «قال فيه الإمام علی (ع): كأنما يَنْظُرُ إِلَى الْعَيْبِ مِنَ وَرَاءِ سِتْرِ رَفِيقٍ». گویا از پس نازک پرده ای به جهان نمان درمی نگرد.

نویسنده کتاب، آیت الله سید محمد مهدی موسوی خرسان (تولد ۱۹۲۸ م)، نمونه ای روشن از علمای سنتی نجف اشرف است: خانواده ای روحانی، تحصیل در حوزه علمیه از جوانی، زندگی فروتنانه و مؤمنانه، مدام در مجالس بحث و کتاب فروشی و کتابخانه، پرهیز از سیاست، تحمل جور حکومت، انس با ادبیات عرب، دستی بر آتش شعر و ادب و سرانجام هزاران یادداشت دست نوشته در انتظار ملاحظه آخر و رفتن به «مطبعه».

کلیدواژه:

صحابی، ابن عباس، عبدالله بن عباس، موسوعه، دفاع از ابن عباس، محمد مهدی موسوی خرسان، کتاب موسوعه ابن عباس، معرفی کتاب.

برای مشروح احوال ایشان به سایت کتابخانه مجلس ارجاع می‌دهم^۱ و به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که وی در علوم اسلامی، به طور خاص به حدیث و تاریخ و رجال و انساب پرداخته، در اقیانوسِ نسخ خطی و متون کهن تبخیر کرده و علاوه بر تألیف این موسوعه، **تصحیح ده‌ها متن شیعی** از جمله ۷ کتاب از شیخ صدوق و ۹ جلد از بحارالانوار چاپ اسلامی را انجام داده است.

نظم کتاب

این کتاب در چهار حلقه و یک خاتمه نوشته شده است. منظور از حلقه، موضوعی محوری است. هر حلقه پنج جلد را در بر گرفته که مجموعاً بیست جلد می‌شود. پس از آن هم یک جلد خاتمه کتاب است که نویسنده در آن نظر دیگر مدافعان ابن عباس را گردآورده است.

حلقه اول: حجم قابل توجهی از این حلقه مرور مطالبی دربارهٔ قبیلهٔ قریش، تیرهٔ بنی‌هاشم و حوادث صدر اسلام است که در منابع دیگر هم آمده است. اما این بار هدف متن، تمرکز دادن خواننده به حضور و نقش ابن عباس در رویدادهاست. پس شاهد گردآورده‌ای از دو دسته روایتیم: نخست روایت‌های ابن عباس از رویدادهای تاریخی و دوم ماجراهایی که دیگران روایت کرده‌اند و در آن نامی از ابن عباس برده‌اند.

حلقه دوم: این حلقه مجموعه‌ای از تحقیقات نویسنده راجع به نظرات و روایات ابن عباس در معارف گوناگون دینی است. هربخش آن انگار که پایان‌نامه‌ای درخور در رشته‌های علوم قرآن، حدیث، فقه و عقاید است. نویسنده با گردآوری و تحلیل این نظرات، تشیع ابن عباس و پیروی او از اهل بیت (ع) را نتیجه گرفته است.

حلقه سوم: کتاب‌هایی که به ابن عباس نسبت داده شده و کتاب‌های کهن یا جدیدی که راجع به او نوشته شده در این حلقه معرفی و بررسی شده‌اند. مسائلی چون نسخ خطی، هویت نویسنده، موضوع اثر، آثار مشابه و... به تفصیل بررسی شده است.

حلقه چهارم: تمام بحث‌ها و اختلافاتی که راجع به شخصیت ابن عباس هست، در این حلقه مطرح و بررسی شده؛ چه مسائل علمای جرح و تعدیل، چه نظرات خاورشناسان غربی و چه نقدهای علمای شیعه به تشیع او و خانواده‌اش. دو جلد از این حلقه نیز به رد اتهام دستبرد ابن عباس در اموال بیت‌المال. در زمانی که والی بصره بود. اختصاص دارد.

شاید بگویید بیست و یک جلد دربارهٔ یک صحابی؟! مگر چقدر راجع به عبدالله بن عباس سخن هست که درباره‌اش موسوعه بنویسند؟ اما خواهید دید که ابن عباس، صحابی و عموزادهٔ پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) شخصیتی است که حرف و حدیث دربارهٔ او فراوان است. گرچه در میان عموم اهل سنت مقبولیت دارد، اما از دیرباز میان علمای شیعه مدافعان و منتقدانی داشته است؛ مدافعانی چون صاحب معالم و منتقدانی چون مجلسی اول.

ج	توضیح / عنوان دوم کتاب ^۱	مهم‌ترین مطالب هر جلد
۱	ابن عباس در زمان پیامبر	مقدمه شامل تشکر از مرحوم آقابزرگ تهرانی و نامهٔ تقدیر سید عبدالهادی شیرازی و سیده‌الهدیه الدین شهرستانی؛ سپس: معرفی قریش، بنی‌هاشم، والدین و خواهر و برادرهای ابن عباس؛ تولد او در شعب ابی طالب؛ گزارش‌های ابن عباس از زندگی پیامبر به ویژه در حججه الوداع (یگانه حج پیامبر)، بیعت غدیر و آخرین پنج‌شنبهٔ پیامبر (بررسی صورت / ورژن‌های مختلف، شاهدان و راویان حدیث « رَزْوَةَ حَمِيسٍ ») ^۲
۲	فترت بعد از پیامبر؛ در زمان ابوبکر، عمرو عثمان	رفتار و گفتار عباس و عبدالله بن عباس در زمان سه خلیفهٔ نخست به گزارش خود این دو و دیگران (ابن ابی الحدید، ابن‌کثیر، سلیم بن قیس و...). بدون نقد منابع.
۳	در زمان امام علی (ع) و قبل از ولایت بصره	حدیث « حَوَاب » و متن گفتگوی او با عایشه در جریان جمل؛ صورت‌ها و راویان این گفتگو.

۱. عباسعلی مردی، «حسب حال آیت‌الله حاج سیدمحمد مهدی خراسان»، سایت کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۲ اسفند ۱۳۹۰. گفتنی است در این گزارش آمده که سیدمهدی خراسان خاطرات زندگی خود را تحت عنوان «ذکریاتی فی حیاتی» نوشته است، اما تمایلی به انتشار آن در زمان حیات خود ندارد.

پی نوشت جدول
 ۱. در این ستون جدول، عبارت‌های عربی تعبیر نویسنده موسوعه و عنوان فرعی روی جلد کتاب است و عبارت‌های فارسی تعبیر این جانب از جلدهایی است که عنوان روی جلد نداشتند.
 ۲. آخرین پنج شنبه پیامبر که اصحاب جمع شدند و پیامبری خواست وصیتی بنویسد، اما برخی اصحاب اجازه ندادند و کار به تندی و تنش انجامید. ابن عباس از این ماجرا با تلخی یاد کرده است، به طوری که هنگام روایت، اشک از چشمش سرازیر شده و سنگریزه‌های زمین را تر کرده است.
 ۳. ج ۴، ص ۱۱۷-۱۱۹ به نقل از کنز العمال، به نقل از تاریخ دمشق ابن عساکر.
 ۴. همان، ص ۱۱۹-۱۲۱، به نقل از وقعة صفین.
 ۵. همان، ص ۱۶۹-۲۲۴.
 ۶. ج ۵، ص ۲۲۶.
 ۷. «عطاء غیر مجدود» یعنی عطاء پیوسته و لاینقطع و از آیه‌ای در قرآن گرفته شده است.

ردیف	موضوع	موضوع	موضوع
۴	۱. تاریخ و سیره	ابن عباس، والی بصره	نقد روایت «لماذا قتلنا الشيخ بالأمس» (درباره مالک اشتر و ابن عباس و قتل عثمان) و دلیل جعل آن. گزارش‌هایی از ولایت ابن عباس در بصره (بدون نقد)؛ فرماندهی سواران قلب لشکر امام علی (ع) در جنگ صفین؛ دو نامه او به معاویه پیش از جنگ ^۳ و پس از آن. گفتگوی امام علی (ع) و ابن عباس با خوارج و منصرف شدن بسیاری از خوارج از جنگ ^۵ . ابن عباس در مقتل محمد بن ابی بکر، عزاداری در شهادت امیرالمؤمنین و ...
۵	۲. درسه و عطاء	در زمان معاویه، یزید، ابن زبیر و مروانیان؛ ازدواج و فرزندان ابن عباس؛ برخی صفات او	چند نمونه از مناظره‌های ابن عباس با خصم امام علی (ع) در حریمین؛ کمک ابن عباس به معاویه در پاسخ‌گویی به سؤالات مسیحیان و ...؛ حضور او هنگام شهادت امام حسن؛ رد اخبار تمجید ابن عباس از معاویه؛ از دست دادن بینایی و سفارش امام حسین به او مبنی بر نیامدن به کربلا؛ مکاتبات ابن عباس و یزید؛ رویداد حزه؛ ویرانی کعبه به دست ابن زبیر؛ اختلاف زبیریان و هاشمیان؛ شواهد حسادت ابن زبیر به ابن عباس؛ ابن عباس در طائف: خطبه‌ها، وصیت، بیماری، وفات و مدفن؛ مشخصات فرزندانش؛ ویژگی‌هایی چون سخاوت، ادب و عبادت در ابن عباس.
۶	۳. عطاء غیر مجدود من المقبول والمنبوذ ^۷	مدارسه و مجالسه	بهره ابن عباس از احادیث رسول اکرم در مقایسه با دیگر اصحاب. توضیح درباره روایت‌هایی که هم از او نقل شده هم از امیرالمؤمنین. شاگردی نزد امام علی (ع)؛ نقد ادعای شاگردی او نزد ابوبکر، عمر، عثمان، زید بن ثابت و ...؛ نقد روایت «کنا نفاضل» (در رد تفضیل اصحاب. به جزسه خلیفه. بریکدیگر)؛ تدریس او در مکه، مدینه، کوفه، بصره، مصر (حین فتوحات)، شام و طائف؛ کسانی که ابن عباس از آنان یاد کرده؛ شاگردان ابن عباس؛ معرفی بیش از ۵۰۰ نفر که از او روایت کرده‌اند (در ۳۰۰ صفحه).
۷		فیه مناهجه التعلیمیه و معارفه القرآنیة	درس‌ها، سخنرانی‌ها و روش تدریس و حدیث‌گفتن ابن عباس؛ وصف مجالس درس و شاگردپروری او؛ علوم قرآنی ابن عباس از جمله ترتیب سوره در مصحف او، قرائات، تفسیر، تأویل، قصص، اسباب نزول در شأن اصحاب و اهل بیت، وجوه جمع آیات متشابه، غریب القرآن و مسائل لغوی و نحوی.
۸		فی منتخب أخباره فی الحدیث	جعل روایت علیه ابن عباس جهت مبارزه با خلفای عباسی؛ نمونه‌هایی از روایات ابن عباس؛ ۹ روایت از منابع شیعی و ۷۷۷ روایت در منابع سنی؛ فتاوا و آرای فقهی ابن عباس.
۹		فی المأثور عنه	گفتگوهای اعتقادی، اشعار، خطبه‌ها و احتجاجات او با معاصرانش، از جمله: علمای یهود، ابوبکر، عمر، شورای شش نفره، عثمان، بزرگان ناکشین، عایشه، معاویه (این دو با بررسی مفصل صورت‌ها و منابع)، عمروعاص، عتبه بن ابی سفیان، اشعث، زیاد، ابوموسی اشعری، عروة بن زبیر و ابن زبیر.
۱۰		فی المأثور عنه	موضع ابن عباس نسبت به فرق و مذاهب گوناگون از جمله خوارج، مجتبه، قدریه، نواصب و ...؛ دعاها و آداب عبادی او؛ کلمات قصار و نامه‌ها.
۱۱		بررسی رسائل	۱. بیان معانی الألفاظ القرآن المنسوب إلى علی بن عبدالله بن عباس (ت ۱۱۸)؛ ۲. غریب القرآن لابن عباس بروایة عطاء بن ابی رباح (ت ۱۱۵)؛ ۳. صحیفة علی بن أبی طلحة (ت ۱۴۳)؛ ۴. فتح الخبیر مما لا ید من حفظه فی علم التفسیر، ولی الله الدهلوی (ت ۱۱۷۶)؛ ۵. أشتات مجموعة، مخطوطة و مطبوعة؛
۱۲		درباره ابن عباس یا منسوب به او	۶. کتاب الأسامی فی من نزل فیهم القرآن الحکیم، منسوب به ابو عثمان حیری به روایت از ابن عباس. تصحیح، نقد و بیان شواهد در جعلی بودن آن. نقد مطالب آن درباره حضرت ابوطالب.
۱۳			کتاب‌های راجع به مسائل نافع ابن ازرق؛ ۷. غریب القرآن، أدب التفسیر؛ نقد روایت تسلیت یزید به ابن عباس؛ ۸. شواهد التفسیر عند ابن عباس فی مسائل نافع ابن الأزرق (از نویسنده معاصر)؛ ۹. روائع التراث الإسلامی مسائل نافع بن الأزرق لابن عباس؛ ۱۰. الشاهد الشعری فی تفسیر القرآن الکریم؛ ۱۱. مسائل نافع بن الأزرق عن عبدالله بن عباس.

۱۴	۱۲. ابن عباس مؤسس العلوم العربية؛ ۱۳. كشف الإلباس عما رواه ابن عباس؛ ۱۴. نور الإقتباس في مشكاة وصية النبي لابن عباس؛ ۱۵. ابن عباس و مسائل ابن الأزرق / منبر عرفة.	
۱۵	۱۶. أقباس و إقتباس من فقه ابن عباس؛ ۱۷. قراءة نقدية في كتاب: رخص ابن عباس و مفرداته	
۱۶	بازتاب ابن عباس در تراث شيعه و سنی و نزد علمای رجال به ترتیب تاریخی؛ بررسی ۲۱ اثر شیعی تا قرن ۱۰ (از سلیم بن قیس و کلینی تا محقق و علامه و صاحب التحریب) و ۱۲ اثر سنی تا قرن ۴ (از مالک بن انس و طيالسی و ابن حنبل تا ابویعلی و دارقطنی).	بین الجرح و التعديل
۱۷	حوادثی که در زمان والی بودن ابن عباس روی داد (شامل فرمان امام و حرکتش به صفین، حضورش در حروراء، برگشت به بصره)؛ بررسی و نقد اتهام دستبرد به بیت المال در منابع کهن (ق ۳ تا ۱۲) و معاصر.	فی حدیث بیت المال بصره
۱۸	رد والی بودن زیاد بن ابیه؛ سخن دیگر علمای متأخر شیعی در رد این اتهام؛ مواضع ابن عباس علیه معاویه در دوران والی بودنش؛ ابن عباس و ابویوب انصاری؛ نقد مقایسه ابن عباس با جابر بن عبدالله.	فی حدیث بیت المال بصره
۱۹	نقد های معطوف به ابن عباس و پاسخ نویسنده به آنها، شامل: بررسی تشیع خانواده او، از عموها تا فرزندان؛ پاسخ به اینکه چرا به کربلا نرفت؛ چهار روایت شیعی در طعن ابن عباس (از جمله تفسیر آیه وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى...); روایاتی که عکرمه به او نسبت داده؛ گفته های مستشرقان راجع به او.	تشیع ابن عباس و ذویه بین السلب و الايجاب
۲۰	در پاسخ به مجلسی اول که به ابن عباس مشکوک است و توقف درباره او را اولی می داند، نویسنده ۶۱۲ روایت مرفوعه و موقوفه از ابن عباس به نقل از بحار الانوار مجلسی دوم آورده است تا جایگاه او را در معارف نشان دهد. پس از آن نظردو رجالی تبریزی، شیخ محمد طه نجف و شیخ ملاعلی علیاری را می آورد که اولی ابن عباس را سخت نکوهش و دومی ستایش کرده است.	فی رحاب اهل البيت (ع)
۲۱	نظر دیگران راجع به عبدالله ابن عباس: احادیث پیامبر و اهل بیت در ستایش او؛ سخن ۳۵ تن از صحابه و تابعین در ستایش؛ سخن منتقدان؛ نظردو تن از نظر علمای متأخر شیعه (آیات عظام: امین، شرف الدین، فانی، خوئی و تستری)؛ ۲۰۱ روایت از ابن عباس در فضیلت و وجوب ولایت اهل بیت (ع).	صحيفة ابن عباس هي الموالاة و حدیث الناس

نشر کتاب

کتاب نثری با سبک و سیاقی قدمایی دارد. همان گونه که نوشتن کتاب محتاج صبر و حوصله فراوان نویسنده بوده، از خواننده هم انتظار می رود بی عجله و باحوصله به خواندنش بپردازد، به ویژه در حلقه اول که حتی برخی جزئیات و موضوعات فرعی با شکیبایی و طول و تفصیل بررسی شده است؛ مثلاً پیش از آنکه صحبت به اختلافات میان ابن عباس و عثمان برسد، بیش از ۶۰ صفحه درباره روابط تیره چند صحابی دیگر با عثمان آمده.^۲ همچنین در مقدمه احادیث نبوی منقول از ابن عباس، درباره منع خلفای نخستین از کتابت حدیث و تعارض آن با سفارش های پیامبریه کتابت، مطالب و مدارک بسیار ذکر شده است^۳ یا در مقدمه معرفی کتاب شواهد التفسیر^۴ صفحه ۳ در معنی «شاهد» و انواع استشهاد و نمونه های آن می آورد.^۴

کتاب به لحاظ ادبی شایان توجه است. ساختار جملات نسبتاً ساده، اما دایره لغات گسترده است. نویسنده نثری سنگین و متین با لحنی سرشار از مدح و احترام به ویژه در مورد ابن عباس دارد و حتی قصیده ای بسیار بلند در ستایش وی سروده است: «آیات فضلیک کألها عنوان / مهما انتقیث فانه برهان...»^۵ سجع نیز

موسوعه به معنای دایره المعارف یا دانش نامه است، اما موسوعه ابن عباس، فهرستی الفبایی از اعلام و اصطلاحات با مقالاتی در ذیل مداخل نیست. بلکه کتابی است با تقسیم بندی موضوعی درباره یکی از شخصیت های صدر اسلام. این کتاب بیست و یک جلد است و هر جلد حدود ۴۰۰ تا ۶۰۰ صفحه شامل بررسی و نقد تاریخ زندگی ابن عباس، نظرات وی در علوم اسلامی، روایات او و نظر دیگران راجع به او.

۲. ج ۲، ص ۱۸۷-۲۴۷ و پس از آن درباره کل بنی هاشم (که تا حدودی شامل ابن عباس هم می شود) تا ص ۳۰۲.

۳. ج ۶، ص ۶۲.

۴. ج ۱۳، ص ۳۰۹-۳۴۰.

۵. پایان حلقه اول، ج ۵، ص ۴۵۲.

علاوه بر عنوان کتاب در بخش‌هایی از متن، به‌ویژه مقدمه هر جلد یا هر فصل آمده است. مثلاً اندر سختی فراهم آوردن دست نویسی کتب منسوب به ابن عباس می‌نویسد: «ألا يكفي عناء جمع ذلك الشتات، من زوايا مكاتب، المتفرقة في شتى أنحاء المعمورة وقد بقيت طوال القرون، مغمورة ومطمورة؟ فبذل في سبيل تحصيل صورها أقصى الوسع، حتى استحفيت المغرب والمشرق، وجمعت بين المتفرق، ورتقت شمل المتمرق، واستبان الأصيل من الدخيل، مما نُسب إلى ذلك الحبر الجليل...».

اما شایسته است که متن و تبویب کتاب در ویرایش‌های احتمالی بعدی بازبینی شود؛ زیرا اکنون گاهی مطلبی در جایی آمده و در جلدی دیگر با شرح و شواهد بیشتر تکرار شده یا مطلبی که در جلد‌های پیشین پیش‌بینی شده در نهایت مقداری متفاوت از آب درآمده؛ مثلاً در مقدمه جلد ۱ احتمال داده کل کتاب در سه حلقه نوشته شود، اما حلقه چهارمی هم افزوده شده یا مثلاً در جلد ۵ آمده که در جلد‌های بعدی ۴۰ روایت از ابن عباس خواهیم آورد، ولی در جلد ۷ نزدیک به ۸۰۰ روایت آمده است^۶ یا حلقه چهارم که بخش‌های زیادی از یادداشت‌های آن گم شده و نویسنده به ناچار آن را دوباره نوشته و نظم آن را از حافظه دوباره برقرار کرده، به نظم و سیاق حلقه‌های قبل به نظر نمی‌آید؛ به‌ویژه از عنوان جلد‌های ۱۹ و ۲۰ نمی‌توان به محتوای آن پی برد.^۷ البته خود نویسنده بارها بابت کم‌وزیاد کتاب عذر خواسته و گفته که کاش می‌شد در فصل‌بندی آن تجدید نظر کند، اما به پایان رساندن کار برایش اولویت داشته و سال‌های طولانی گردآوری مطلب و نوشتن تحت شرایط سخت. از جمله حکومت بعث عراق. باعث شده که نتواند به بازبینی برسد^۸ و به‌راستی پشتکار و شکیب نویسنده در پشت سر نهادن این مشقت‌ها ستودنی است. چه بسیار کتاب‌ها که به امید چاپی درخور برای همیشه از انتشار بازماندند.^۹

روش تألیف

ابتدا روش تألیف را از زبان نویسنده. البته با تلخیص. بشنویم. وی می‌گوید که وقتی دور اول پیش‌نویس کتاب را نوشتیم، روش تحقیق خاص یا نوبنی را در نظر نداشتیم و همان روش معمول را به کار می‌بردیم؛^{۱۰} اما کوشیدیم که بی‌طرف و عینی باشیم، به‌ویژه که تاریخ بیشتر به نفع حکومت و برای حکومت‌ها نوشته شده. خلفای اموی به طور خاص با بنی‌هاشم، از جمله با ابن عباس دشمنی داشتند. بعدها هم که عباسیان به حکومت رسیدند علاوه بر امویان،^{۱۱} عباسیان رقیب، حسنیان، خوارج و حتی یهودیان و مسیحیان و خلاصه تمام گروه‌های مخالف خلفای عباسی شروع کردند به دشنام‌دادن به کل خاندان عباس، از جمله عبدالله. اکنون من تلاش کرده‌ام از ملغمه گزارش‌های لَه و علیه ابن عباس، صواب را از ناصواب جدا کنم.

البته نویسنده تنها به دنبال رد و قبول روایات نیست. او تلاش کرده انگیزه جاعلان اخبار را نیز بیابد. برای سنجش یک روایت، ابتدا منبع آن را معرفی می‌کند، سپس به بررسی محتوای روایت می‌پردازد و هماهنگی مطالب و منطقی بودن یا نبودن آن را در مقایسه با سایر روایات می‌سنجد. در این میان، اگر برایش جای تردیدی نماند که برخی اخبار ساختگی اند، می‌کوشد دلیل پیدایش آن روایات را پیدا کند. یک نمونه گویای آن بررسی روایت «لماذا قتلنا الشيخ بالأمس» است که رد پای کسانی را در آن پی گرفته که پیراهن عثمان را علم کردند.^{۱۲}

با این حال گاهی نویسنده فرضیه‌ای دارد و به دنبال شواهد اثبات آن می‌گردد، اما از شواهدی که می‌تواند

۶. البته نویسنده این روایات را حدیث نامیده و ظاهراً تفاوتی بین حدیث و روایت قائل نیست؛ زیرا وقتی ۷۷۷ «حدیث» از ابن عباس می‌آورد، منظورش از حدیث لزوماً گفته‌های پیامبر نیست.

۷. ج ۱۶، ص ۱۱ و ۱۲.

۸. از جمله در در جلد ۶، ص ۱۹.

۹. مثال در این باب فراوان است. از جمله چندین کتاب چاپ نشده از جواد علی، مؤرخ بزرگ عراقی که در شماره پیش به آن اشاره کردیم.

۱۰. ج ۱، ص ۲۲، مقدمه مؤلف.

۱۱. مثلاً ابن شهاب زهری. ج ۱، ص ۲۸.

۱۲. ج ۴، ص ۲۰-۲۶.

کتاب نثری با سبک و سیاقی قدمایی دارد. همان‌گونه که نوشتن کتاب محتاج صبر و حوصله فراوان نویسنده بوده، از خواننده هم انتظار می‌رود بی‌عجله و باحوصله به خواندنش بپردازد، به‌ویژه در حلقه اول که حتی برخی جزئیات و موضوعات فرعی با شکیبایی و طول و تفصیل بررسی شده است؛ مثلاً پیش از آنکه صحبت به اختلافات میان ابن عباس و عثمان برسد، بیش از ۶۰ صفحه درباره روابط تیره چند صحابی دیگر با عثمان آمده.

فرضیه را تضعیف، باطل یا تکمیل کند به راحتی عبور کرده است. برای مثال نویسنده روایت گفتگوی امام علی (ع) و ابن عباس در مورد ولایت شام را آورده و از این سخن ابن عباس که «کُلُّ مَا حُوِّلَ عَلَيَّ الْإِمَامُ، حَمَلَ عَلَيَّ ابْنَ عَبَّاسٍ» (هر چه به پای امام حساب شود، به پای ابن عباس هم نوشته می‌شود) نتیجه‌گیری می‌کند که ابن عباس کاملاً معتمد و هم‌رأی امام و موضع او و امام یکی بوده است. اما نویسنده به این نکته توجه نکرده که دقیقاً همین گزارش حاکی از اختلاف نظری میان ابن عباس و امام علی (ع) است: امام می‌خواهد ابن عباس را روانه شام کند، اما او می‌گوید ممکن است اگر بروم معاویه گردنم را بزند، به جای این کار به او وعده و وعیدی بده و بر او منتی بگذار، اما امام سوگند می‌خورد که چنین کاری نخواهد کرد^{۱۳} یا مثلاً پس از آنکه امام حسن (ع) مسموم شد و به شهادت رسید، روزی معاویه به ابن عباس (که به دمشق آمده بود) گفت: دیگر تو بزرگ قومت شدی، اما ابن عباس پاسخ داد: تا حسین بن علی زنده است هرگز.^{۱۴} نویسنده از این روایت این نکته را برداشت کرده که ابن عباس در مقابل معاویه از امام حسین حمایت کرده، اما به این نکته توجه نداشته است که ابن عباس گویی تلویحاً ادعای بزرگی قوم را تا پس از دوره امام حسین به تعویق می‌اندازد.

دفاع در مقابل چه کسی؟

نویسنده در سراسر این موسوعه کوشیده تا تشیع خالص ابن عباس را ثابت کند: اظهاراتش در رزیه خمیس، نقشش در جمل و صفین و حروراء، طرفداری اش از امیرالمؤمنین و^{۱۵} امام حسن و امام حسین (ع) در برابر معاویه، پاکدستی اش در زمان ولایت بر بصره و همراهی و همراهی او با امام علی (ع) در موارد و احکام بسیار. نویسنده بارها گفته که با تألیف این کتاب تلاش کرده تا به دفاع از ابن عباس، عالم امت و ترجمان قرآن پردازد و شبهاتی را که درباره او مطرح می‌شود پاسخ دهد.

اینک ببینیم نویسنده کدام روایات را پذیرفته و معیار سنجش روایات دیگر قرار داده؟ این سؤال مهمی است چون در اینجا با تواتر مواجه نیستیم. پس انتظار می‌رفت که نویسنده به روش علمایی که در اثبات فضایل اهل بیت به مستندات خصم احتجاج می‌کنند. ابتدا منکران ابن عباس را، از شیعه و سنی شناسایی و معرفی کند، آن‌گاه از مطاوی اظهارات آنان تناقض‌ها را بگوید و از پنهان‌کاری‌ها پرده بردارد، ولی نویسنده در اثبات فضایل ابن عباس، عمدتاً بردعای پیامبر (ص) برای او، تعبیر حبر امت که پیامبر در نوزادی ابن عباس درباره او گفت و احادیث حاکی از تفقه و ایمان او بسیار تکیه کرده، همه را پذیرفته و بارها تکرار کرده، سنگ محک دانسته و باقی روایات را با فرض قطعیت آن‌ها سنجیده است. حال آنکه بیشتر منابع آن سنی است.

تا این جای کار برای قانع کردن اهل تسنن و اثبات جایگاه والای ابن عباس به آنان موفقیت آمیز است و به خصوص تمام راه‌ها را برای زیر سؤال بردن روایات مشهور او. مانند آنچه در جلد نخست آمده. می‌بندد (البته اگر طرف سنی سخن از پذیرش برخی منابع و رد کردن برخی دیگر به میان نیاورد و به صورت سنتی همه منابع سنی را در جبهه خود بداند). شاید با در نظر داشتن همین گروه از مخاطبان است که نویسنده در یک جا ابن عباس را در زمره اهل بیت پیامبر ذکر کرده: در آنجا که موضع‌گیری عایشه در برابر «اهل‌البیت» را برمی‌شمارد، پس از حضرت علی (ع) و حسنین (ع)، از ابن عباس نام می‌برد^{۱۶} که نزد شیعه چندان معمول نیست. البته کار نویسنده به احتجاج به احادیث نبوی و روایات سنی منحصر نمی‌شود. او روایات منابع شیعی را نیز آورده است، اما روایاتی را که باعث تشویب چهره ابن عباس است، حتی الامکان زیر سؤال برده و

شایسته است که متن و تبویب کتاب در ویرایش‌های احتمالی بعدی بازبینی شود؛ زیرا اکنون گاهی مطلبی در جایی آمده و در جلدی دیگر با شرح و شواهد بیشتر تکرار شده یا مطلبی که در جلد‌های پیشین پیش‌بینی شده در نهایت مقداری متفاوت از آب درآمده؛ مثلاً در مقدمه جلد ۱ احتمال داده کل کتاب در سه حلقه نوشته شود، اما حلقه چهارمی هم افزوده شده یا مثلاً در جلد ۵ آمده که در جلد‌های بعدی ۴۰ روایت از ابن عباس خواهیم آورد، ولی در جلد ۷ نزدیک به ۸۰۰ روایت آمده است یا حلقه چهارم که بخش‌های زیادی از یادداشت‌های آن گم شده و نویسنده به ناچار آن را دوباره نوشته

۱۳. ج ۴، ص ۱۷. گزارشی به نقل از تاریخ طبری ج ۴، ص ۴۴۰ و طبقات ابن سعد، ج ۱، ص ۱۷۳، چاپ السلمی.

۱۴. ج ۵، ص ۱۱۸ به نقل از کشف الغمّه و ص ۱۳۰ به نقل از الإمامة و السياسة.

۱۵. این مواضع به تفصیل در ج ۴ آمده و به اختصار در ج ۵، ص ۲۰-۲۲ مرور شده است.

۱۶. ج ۳، ص ۲۴۹-۲۵۴.

در آخر آنچه را که مانده (مثلاً روایت پیروی از سنت خلفا را) حمل بر تقیه کرده است.^{۱۷}

همچنان ابن عباس ...

جمع‌بندی این گفتار برای کسی چون من، با دانشی کم و مجالی اندک، سخت دشوار است. پس بهتر دانستم سخن را با نظرات دو تن از اساتید بزرگوارم به پایان برسانم؛ یکی در مقام تأیید این موسوعه و دیگری در مقام نقد.

استاد گران قدر علوم قرآن و حدیث، جناب حاج آقای مهدوی راد - که هم ایشان معرفی این موسوعه را توصیه کردند - درباره عبدالله بن عباس برای نویسنده این مقاله نگاشته‌اند:

«به پندارم من «عبدالله بن عباس» علوی اندیشی است پیراسته جان، و از سنت شناسان علوی است استوار گام در ولایت علوی و اطاعت از آن بزرگوار.

او به لحاظ جایگاهش آماج کینه‌توزی امویان بوده و آنان برای شکستن قداست او که عملاً هجوم به ساحت امیرمؤمنان است فراوان دروغ ساخته‌اند.

مجموعه گفتگوها و مناظرات او که یکسر دفاع از ساحت ولایت است جز دو سه مورد همه و همه نشانگران است که او چگونه خاری بود سوزنده در چشم امویان و استخوانی در گلوئی آنان، تحلیل آرای علوم قرآنی و تفسیری او نشان می‌دهد که به راستی پیرو راستین علی علیه السلام و دانش آموخته مکتب است.

درباره «بسلمه» علی (ع) افزون بر «جهرو جزئیت» آن در سوره‌ها نکته مهمی را بیان کرده‌اند و آن اینکه: «بزرگترین آیه قرآن کریم را دزدیده‌اند». در میان صحابیان پیامبر تنها کسی که صریحاً این نکته را به پیروی از علی (ع) فراز آورده است عبدالله بن عباس است و دهها مورد دیگر ...

اکنون پس از پژوهش بسیار دقیق و مهم علامه شوشتری در بهج الصباغه درباره موضوع «اموال بصره» و تحقیق شایان توجه علامه جعفر مرتضی و علامه سید محمد تقی حکیم، پژوهش حیرت‌آور آیت الله سید مهدی خرسان را در پیش رو داریم که هیچ نکته و هیچ نقلی را و هیچ موضعی را بدون نقد و بررسی رها نکرده است. سزایماند چنان است که داوری فقیه بلند پایه تشیع حسن بن زین الدین (= صاحب معالم) را بیاوریم که پس از گزارش روایت جرح و قدح عبدالله بن عباس و نقد آن‌ها نوشته‌اند:

هذا الذی رأیت و لوورد فی مثله ألف حدیث ینقل أمکن أن یرعز للتهمة، فکیف مثل هذا الروایات الواهية الضعیفة الرکیکه (التحریر الطاوسی / ۳۱۶) و در آغاز بحث نوشته‌اند:

حاله فی المحبة و الإخلاص لمولانا امیرالمؤمنین علیه السلام و الموالاة و النصره له و الذب عنه و الخصام فی رضاه و الموازرة ممآ لا شبهة فیہ ... (همان ۳۱۳)

والله من وراء القصد

استاد دیگری که نظری را راجع به موسوعه جویا شدم، پدر ارجمندم علی کورانی عاملی است. ایشان در پاسخ، متن کتابی چاپ نشده از خود با عنوان «العباسیون و اهل البیت» را در اختیارم گذاشت^{۱۸} که در مقدمه آن نوشته است: گرچه دو علامه ارجمند، سید جعفر مرتضی عاملی و سید محمد مهدی خرسان (صاحب موسوعه مورد بحث) به دفاعی تمام‌قد از ابن عباس برخاسته‌اند، اما چه کنم که به رغم علاقه به این دو عزیز نمی‌توانم با آنان هم‌رأی باشم. سپس فصلی از کتاب را به عبدالله ابن عباس اختصاص داده

۱۷. ج ۸، ص ۴۲۳ به بعد.

۱۸. منتشر نکردن نوشته‌ها، خلاف عادت ایشان است. شاهد آنکه وی گاه پیش از چاپ متن را در نت منتشر می‌کند. اما به خاطر مصالحی مذهبی فعلاً قصد انتشار آن را ندارد.

ابتدا روش تألیف را از زبان نویسنده - البته با تلخیص - بشنویم. وی می‌گوید که وقتی دور اول پیش‌نویس کتاب را نوشتم، روش تحقیق خاص یا نوینی را در نظر نداشتم و همان روش معمول را به کار می‌بردم، اما کوشیدم که بی‌طرف و عینی باشم، به ویژه که تاریخ بیشتر به نفع حکومت و برای حکومت‌ها نوشته شده.

که برخی نکات آن را می‌آورم: چگونه ممکن است عباس بن عبدالمطلب نوزادش را برای تبرک نزد پیامبر بیاورد و پیامبر نوزاد را حبر(عالم) امت بخواند، در حالی که عباس هنوز کافر بوده و حتی گاهی در انکار پیامبر ابولهب را همراهی می‌کرده، در میان مردم می‌گشته و فریاد می‌زده بر حذر باشید مبادا این برادرزاده‌ام گمراهتان کند.^{۱۹} لقب حبر الأمة و ترجمان القرآن ادعای عمر بن خطاب در مورد ابن عباس است^{۲۰} که می‌خواسته او را جایگزین علی(ع) کند. حدیث «كأنه ينظر من وراء ستر رقيق» نیز معمولاً ناقص نقل می‌شود. صورت کامل آن بر فرض صحت نشانگر آن است که ابن عباس با یک واسطه، یعنی به واسطه امیرالمؤمنین، از اخبار نهران آگاه می‌شده است و به دلیل همین وساطت است که نظرات او در احکام و تفسیر و... در بسیاری موارد با نظرات اهل بیت یکی است. ایشان بر این باور است که ابن عباس دارای شخصیتی پیچیده و مرکب از عناصر گوناگون است که یکی از این عناصر تعصب هاشمی اوست و گاه نمی‌توان دانست که آیا این تعصب بردین و ایمان او غلبه دارد یا مغلوب آن است؟ آری او در مقابل رقیبان می‌ایستد و سرسختانه در برابر معاویه و بنی‌امیه از امیرالمؤمنین دفاع می‌کند. چنین چیزی را در هاشمیان دیگر هم دیده‌ایم. برخی از آنان رنج تحریم‌های شعب ابی‌طالب را نه برای اسلام که به خاطر خانواده و قبیله و بی‌آنکه اسلام بیاورند تحمل کردند، اما اینها مانع ابن عباس نمی‌شود که مثلاً به عایشه بگوید «ما بودیم که تورا ام‌المؤمنین و پدرت را صدیق کردیم. ام‌المؤمنین بودن با خویشاوندی با پیامبر حاصل می‌شود اما خلافت چطور؟! آیا او خلافت را امری خویشی و از آن بنی‌هاشم می‌پنداشته است؟ و...»^{۲۱}

سخن کوتاه؛ گویا گرچه در دانشنامه ابن عباس به خوبی از این صحابی بزرگ دفاع شده است، همچنان پرونده پژوهش درباره وی برای مدافعان و منتقدانش باز است. ■

بیشتر رسائل نشریافته در این کتاب چندان گرانبار از اغلاط و کاستی‌های مختلف است که آن رساله و البته کل مجموعه را از حیث اعتماد و اعتبار و انتفاع ساقط می‌کند. اکنون بی‌آنکه بخواهم به انواع آشفتگی‌ها و نادرستی‌های اساسی این کتاب از جوانب مختلف اشاره کنم، در این مجال تنها به ارزیابی تصحیح و طبع یکی از رساله‌های آن مجموعه، یعنی رساله الأبحاث المفيدة في تحصيل العقيدة تألیف علامه حلی می‌پردازم

۱۹. به نقل از مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۵۱.

۲۰. زیرا در روایتی نقل شده که خلیفه دوم می‌گوید «دیدم» که رسول او را چنین نامید. به نقل از سیر اعلام ذهبی، ج ۳، ص ۳۳۷.

۲۱. امیدوارم به زودی فرصت و رخصت ترجمه این بخش کتاب و انتشار آن در همین مجله را پیدا کنم.